

جبهه

ادبی

فرهنگی

صنفی

در این شماره می‌خوانید:

صورت جلسه ماه دسامبر

شب یلدا

مردم نگاری: «شله مشهدی»!

معرفی شخصیت‌ها

چه می‌خواستیم و چه شد!

آشنایی با شکل‌های مختلف شعر فارسی (۲)

انتقادات و پیشنهادها



«ماهنامه انجمن»، زیر نظر هیئت مدیره انجمن تاکسیران

صورت جلسه ماه دسامبر

جلسه ماه دسامبر مثل هر سال اختصاص به برگزاری انتخابات هیئت مدیره داشت و مجمع عمومی انجمن با شرکت اکثریت اعضای انجمن برای انتخابات، تشکیل شد. در ابتدا مسئول انجمن و حسابدار انجمن در باره جشن آخر سال میلادی که همراه با شب یلدا می باشد، در مورد مکان و زمان آن و اینکه اعضایی که مایل به شرکت در این جشن هستند، باید حتماً در این جلسه ثبت نام کرده تا برنامه ریزی های لازم انجام بگیرد، توضیحاتی دادند. سپس هیئت انتخابات که شامل سه نفر: فرشید و یعقوب و فتنه بود، توسط هیئت مدیره تشکیل شد.

هیئت انتخابات پس از توضیحات لازم در مورد نحوه رأی گیری و انتخابات هیئت مدیره انجمن از کاندیداها درخواست کرد که به معرفی خود بپردازند و مطالب و برنامه های خود را برای اعضای انجمن توضیح بدهند. در ادامه، برگه های رأی گیری بین اعضا پخش شد و هیئت انتخابات پس از جمع آوری کلیه برگه های انتخاباتی و مطابقت آنها با لیست اعضای انجمن، با کمک سه عضو دیگر: امیر و قاسم و مجید، برای شمارش آراء و احمدجان به عنوان ناظر، مشغول ثبت و شمارش آرا گردید که در نهایت نتایج زیر حاصل و افراد زیر به عنوان هیئت مدیره سال ۲۰۱۲ انتخاب شدند:

۱ - خانم مینا رسولی

۲ - داود ثابت

۳ - حسین مادرشاهی

۴ - اسکندر رحیمیان

۵ - علی محمدی

و همچنین آقایان:

۱ - سعید سیار

۲ - سامان یوسف پور

به عنوان اعضای ذخیره انتخاب شدند.

ناگفته نماند که تعداد کل اعضای انجمن تا این تاریخ ۱۰۵ نفر بود که تعداد کل اعضای حاضر و واجب شرایط برای رأی گیری در این جلسه ۷۷ نفر بودند.

هیئت تحریریه انجمن تاکسیران، انتخاب این اعضا را به هیئت مدیره انجمن تبریک گفته و آرزوی موفقیت و سلامتی برای آنها دارد.

شب یلدا

برای اولین بار در تاریخ انجمن، جشن یلدا همراه با جشن آخر سال میلادی، روز شنبه ۱۷ ماه دسامبر در سالن رستورانی در حومه شمال غربی پاریس، در شهر Courbevoie برگزار شد. در حدود یک صد نفر از اعضای انجمن با خانواده های خود در این جشن شرکت کردند، البته به علت محدود بودن ظرفیت سالن (در حدود ۱۰۰ نفر) تعداد زیادی متقاضی، موفق به ثبت نام و در نتیجه شرکت در این جشن نشدند. محیط بسیار صمیمی و دوستانه و در واقع خانوادگی بود و اکثراً همدیگر را می شناختند. مسئول رستوران نیز با پیش غذاهای خوشمزه و پیتزا و دسر و قهوه از مهمانان عزیز پذیرائی گرم و عالی کرد.



اما نکته جالب اینکه، هنگام ورود به سالن رستوران درست مقابل درب اصلی سالن، سفره ای بسیار زیبا و چشم گیر و مجلل، نظر تمامی افراد را به خود جلب می کرد. این سفره که به نام سفره یلدا بود با دقت و ذکاوت زیادی روی یک میز تقریباً بزرگی پهن شده بود که شامل انواع مختلف آجیل، نقل و شیرینی و میوه های مخصوص شب یلدا مثل انار و هندوانه و خوراکی های خوشمزه دیگر بود و از همه جالب تر در این سفره، که نظر تمامی بچه ها را به خود جلب می کرد، بساط کرسی بود که با عروسک های زیبا و خوشگلی به دور کرسی که یاد پدربزرگ ها و مادربزرگ ها را زنده می کرد، به طور بی نهایت زیبایی تزئین شده بود. البته ناگفته نماند که مبتکر و تهیه کننده این سفره زیبا خانم مینا بود که با

این، شله در تعیین شأن اجتماعی افراد نیز مؤثر است. به عنوان مثال یکی از نشانه‌های افراد پرنفوذ در مشهد آن است که سطل بزرگ شله را می‌آورند، در منزلشان تحویل می‌دهند! یک سطل شله می‌تواند شما را در حد ستاره‌های سینما نزد خانواده یا اقوام محبوب نماید. یکی از اشتغالات تازه‌دامادها برای نشان دادن خودی به خانواده همسرشان، جور کردن یک سطل پر شله با قیمه اضافه است، که طی مراسم خاصی در منزل پدرزن تحویل داده می‌شود! خوردن شله نیز آداب خاصی دارد. ابتدا سفره‌های پلاستیکی را می‌اندازند و سبدهای پنیر و سبزی را همراه با نان در سفره می‌چینند. تا اینجا همه در آرامش سر سفره نشسته‌اند، به صورتی که اگر به فضا آشنا نباشید تصور خواهید کرد این آرامش ادامه پیدا خواهد کرد. افراد معمولاً چند لقمه نان و پنیر می‌خورند که بیشتر جنبه گرم شدن دارد. سپس قسمت دوم یعنی توزیع نوشابه آغاز می‌شود. نوشابه باید چند ویژگی داشته باشد. حتماً باید شیشه‌ای، مشکی و کوکا باشد. هر نوشابه معمولاً دو تا چهار بشقاب را ساپرت می‌کند لذا با توجه به توانایی‌های خود، نوشابه اضافه هم می‌توانید بردارید. در نهایت قسمت اصلی سفره یعنی توزیع بشقاب‌های شله آغاز می‌شود. در این موقعیت مشهدی‌ها سبک نشستن‌شان را تغییر می‌دهند و از حالت چهار زانو به حالت دو زانو درمی‌آیند که در این حالت هم به بشقاب مسلط هستند و هم به فضای خارج از سفره و روند تردد سطل‌های سرریز. همه فرایند خوردن شله فقط با یک دست انجام می‌شود و دست دوم باید برای نشان دادن واکنش سریع به افراد توزیع کننده سرریز همواره آزاد باشد. هر مشهدی به صورت میانگین یک کیلو و نیم شله را می‌تواند بخورد که این میزان با باز کردن کمر بند و حتی دکمه‌های یقه پیراهن در روزهای گرم و تابستانی، می‌تواند افزایش یابد. اگر برای اولین بار است که شله می‌خورید به حرف مشهدی‌ها که اصرار دارند بیشتر بخورید، شله خودش جای خودش را باز می‌کند توجه نکرده و با جون خود بازی نکنید.

مَدَن (Medan) = دادن — پَدَن (Bedan) = دادن — جَوون (Jouvoun) = جوان — مِزَنی (Mezeni) = زدن — اینجه (Injeh) = این جا

تهیه و تنظیم: حسین

همکاری هیئت مدیره این جشن (شب یلدا) را به بهترین وجه مدیریت کردند. در اینجا از کلیه افراد هیئت مدیره تشکر کرده و آرزوی موفقیت و پیروزی برایشان داریم. هیئت تحریریه

XXXXXXXXXX

مردم نگاری: «شله مشهدی»!

بعضی از دوستان ایرانی گاهی خیلی اصرار دارند تا در باره شله مشهدی برایشان توضیح دهم و علت اقبال بسیار زیاد مشهدی‌ها را به این پدیده، تبیین نمایم که حال به مناسبت محرم چنین فرصتی دست داد: شله پدیده‌ای است از خانواده آش‌ها و کاملاً مشهدی که در مشهد فقط با نام «شله» و در غیر مشهد با نام «شله مشهدی» شناخته می‌شود. به دلیل آنکه فرایند تهیه آن بسیار پرزحمت و پرخرج است، معمولاً در خانه‌ها پخته نمی‌شود و همیشه در حجم زیاد و در مناسبت‌های خاص (مخصوصاً محرم) و توسط آشپز مخصوص خود تهیه می‌گردد و برای مشهدی‌ها از اهمیت فراوانی برخوردار است. بیشترین سئوالات مشهدی‌ها در دهه محرم: سوال اول: شله چه ساعتی مَدَن؟ سوال دوم: سطلی هم مَدَن حالا؟ سوال سوم: مطمئنم اینجه شله مَدَن؟ سوال چهارم: این همه راه مرم تموم نشده باشه؟ سوال پنجم: خواستن شله پَدَن یه تک مِزَنی؟ روزهای اول دهه کمتر، ولی روزهای آخر دهه محرم، شما شاهد جنب و جوش مشهدی‌ها برای تعامل با پدیده شله هستید. شله که بیشتر شبیه حلیم به اضافه حبوبات می‌باشد، فارغ از آنکه یک آش بسیار بسیار خوشمزه است (یکی از راه‌های محبوب شدن در بین مشهدی‌ها، آن است که نسبت به شله ابراز احساسات شدیدی از خودتان بروز دهید) نقش تعیین کننده‌ای نیز در مراسم عزاداری دارد. در هیئت‌ها، به شکل بسیار مشهدی «شب‌های شله» از شب‌های غیرشله شلوغ‌تر است و البته نباید فراموش کرد که شله، برای مشهدی‌ها نه فقط یک نوع پذیرایی، بلکه جزئی از عزاداری محسوب می‌شود. خاطرات بسیاری از معجزات شله وجود دارد. به عنوان مثال اصطلاحی بین بعضی هیئت‌های قدیمی وجود دارد که می‌گویند: «شله سید شهدا حتماً برکت می‌کنه، ما شده با همی یه دیگ شله هزار نفرو غذا دادم» یا «اینقدر جَوون سر همی دیگ به آرزوهاشان رسیدن». گذشته از

چه می‌خواستیم و چه شد!

چندی پیش در اینترنت، برحسب اتفاق به یک شعر نو برخوردم که از نظر محتوا، واژگان و ساختار گرامری آه از نهاد من بی‌سواد ولی علاقه‌مند را درآورد! این شعر نو در یکی از دفترهای شعر خانمی به نام سپیده جدیری درج شده بود که نشر ثالث با مجوز وزارت ارشاد آنرا به چاپ رسانیده است. بیت‌هایی از شعر «صورتی مایل به خون من» این کتاب را عیناً برایتان نقل می‌کنم:

... من بوی کاغذ مچاله زرد،

پشت دهانم استفراغ

و ذهنم، گناه دقیقه لطیف را

دیگر تکرار نمی‌کند...

دارم نقاشی‌هایم را زرد می‌کنم

دیگر استفراغ‌هایم بوی شعر می‌دهد

و توی شعرهایم فحش می‌دهم

دهانم شما را نگه می‌دارد

دهانم را نگه دارید... چقدر تف کنم؟...

واقعیت این است که من

درد می‌کند از تو

من از او بلوز ترم! ترم؟ خیسیم؟ نمی‌دانم

کنار بزن، توی تو عق تیق می‌زند

شبه‌ها و یار عروسک دارم

آنقدر استفراغ که خرسی کوچک حامله می‌شود.

ترا به آب‌های مرده قسم می‌دهم.

به چنندش، به سگ

ترا از آب گل‌آلود ماهی می‌گیرم...

حال قضاوت را به عهده دوستان می‌گذارم. این شعر کجا و آن شعر کلاسیک کجا؟ اختلاف از زمین است تا آسمان! احتمالاً اشعار کلاسیک فارسی را که در شماره قبل ماهنامه، در مقاله دوست عزیزمان داود چاپ شده بود به یاد دارید. خواننده با آن اشعار با شاعر هم‌آواز گشته و با او به اوج لطافت و زیبایی می‌رسد. راستی ما را چه می‌شود؟ کجا بودیم و چه می‌خواستیم، حالا کجا هستیم و چه شده‌ایم؟

البته شاید بگوئید این سبک از شعر، که از نظر بعضی‌ها از جمله خود بنده استفراغ ادبی نام دارند، خوانندگان خودش را دارد و قطعاً نباید کسی مانع از انتشار آن گردد. ولی آیا سزاوار است که به موازات انتشار

معرفی شخصیت‌ها

لئون گامبتا (Léon Gambetta)

از بنیان‌گذاران جمهوری سوم

حقوق‌دان و سیاستمدار فرانسوی که در سال ۱۸۳۸ در شهر Cahors (منطقه Midi-Pyrénées) متولد شد و در سال ۱۸۸۲ در نزدیکی پاریس یعنی شهر Sèvres از دنیا رفت، یعنی چهل و چهار سال زندگی فعال و پرتلاطم، کسی که تمام وقت و انرژی‌اش را صرف دفاع از کشور و آرمانش جمهوری‌خواهی کرد. به عبارت دیگر او یکی از قهرمانان ملی تاریخ فرانسه است و بدین خاطر در هر شهر و شهرکی نام او بر پلاک خیابان‌ها حک شده است.

گامبتا در سال ۱۸۶۰ تحصیلاتش را در رشته حقوق در پاریس به پایان رساند و به زودی وارد عرصه فعالیت سیاسی شد. در سال ۱۸۶۹ به عنوان نماینده به هیئت مقننه پیوست و با ارائه برنامه رادیکال برای اصلاحات حقوق مدنی از جمله سیاست انتخابات، از شهرک Belleville به نمایندگی انتخاب شد.

در سال ۱۸۷۰ عضو دولت دفاع ملی بود که اپوزیسیون را رهبری می‌کرد. در واقع او با نطق‌های مکرر در گوشه و کنار کشورش در دفاع از ارزش‌های جمهوری‌خواهی به یکی از چهره‌های سیاسی مهم سال‌های اولیه جمهوری سوم تبدیل شد که نقش کلیدی در بقای رژیم جمهوری را در فرانسه، بعد از سقوط امپراتوری دوم (رژیمی که توسط ناپلئون سوم، برادرزاده ناپلئون برقرار شد) ایفا کرد. او همچنین با کمک چند نفر از رفقا روزنامه‌ای تحت عنوان «جمهوری فرانسه» (Républicain) منتشر کرد.

بدین سان، بیست و دو سال تلاش و فعالیت پی‌درپی در مقام‌های مختلف دولتی از جمله نماینده مجلس، وزیر امور خارجه، رئیس مجلس و رئیس شورا، خدمات بزرگی به کشور فرانسه نمود و بالاخره در نتیجه بیماری گوارشی در حومه پاریس درگذشت. برای بزرگداشت او بنای یادبودی در شهر Sèvres و مجسمه‌ای در پاریس بیستم میدان Ed. Vaillant نصب شده است. خیابان و میدان گامبتا از سال ۱۸۶۲ به اسم او نامگذاری شده‌اند.

رسول

این سبک شعر، اشعار شاعران معاصری چون سیمین بهبهانی و یا هیلا صدیقی که با غزل‌ها و کلام دلنشین خود درد مردم را بیان می‌کنند بایکوت شود و به آنها اجازه انتشار نداد؟ فقط به این دلیل که اشعار این شاعران حامل پیام می‌باشد؟

مسلماً پاسخ این سؤال منفی است. دوستان عزیز متأسفم که باید به این نکته اشاره کنم که محدودیت‌هایی در درج مقالات آزاد در ماهنامه انجمن وجود دارد. انجمن ما سیاسی نیست ولی این به آن معنی نیست که هر حرفی در هر موردی که کمی بودار سیاسی باشد را نتوانیم تحمل کنیم. بنده چرا نباید بتوانم در مورد شعر نو و موسیقی و اختلاف شجریان و لطفی و نظایر آن مطلب بنویسم و به نظر دوستان و همکارانم که مثل خودم فکر می‌کنند برسانم؟ به اعتقاد من بجاست که در برداشت و موضع‌گیری‌هایمان در مورد محتوای نشریه بازنگری کنیم و چارچوب آنرا از گذشته خارج کرده و به روز درآوریم.

در خاتمه، از هیئت مدیره محترم و منتخب تقاضا دارم در این مورد ما را یاری دهند و نشریه ما را که بخشی از هویت انجمن پرافتخار ماست، از این بن‌بست کنونی غیرجذاب خارج ساخته و هرچه بیشتر آنرا بارور و مورد استفاده اعضا قرار دهند.

صفا

XXXXXXXXXX

آشنایی با شکل‌های مختلف شعر فارسی

(۲)

مسمط: شعری است که از چند بخش متوالی در یک وزن سروده می‌شود. هر بند که اصطلاحاً رشته نامیده می‌شود، با یک مصراع که معمولاً قافیه‌ای جداگانه دارد از بندهای بعدی مشخص می‌شود.

بطور مثال:

ای گربه ترا چه شد که ناگاه

رفتگی و نیامدی دگر بار

بس روز گذشت و هفته و ماه

معلوم نشد که چون شد این کار

جای تو شبانگه و سحرگاه

بر دامن من تهی است بسیار

در راه تو کند آسمان چاه
کار تو زمانه کرد دشوار
پیدا نه به خانه‌ای نه بر بام
ای گمشده عزیز دانی
کز یاد نمیشوی فراموش
بود آن که ترا به میهمانی
دستیت کشید بر سر و گوش
بنواخت ترا به مهربانی
بنشانند ترا دمی در آغوش
می‌گویمت این سخن نهانی
در خانه ما ز آفت موش
نه پخته به جای ماند و نه خام

ترکیب بند: شعری است که از بخش‌های مختلف، هر یک حاوی چند بیت، تشکیل شده است. همه بخش‌ها در وزن با هم مشترکند، اما هر بخش قافیه‌ای جداگانه دارد. فاصله بخش‌ها را یک بیت که قافیه مجزایی دارد مشخص می‌کند که از نظر معنی، مکمل بخش قبل از خود محسوب می‌شود. در ترکیب بند گاه شاعر قافیه مشترک را در همه بیت‌های فاصله رعایت می‌کند و از نظر مفهوم ارتباطی بین آنها بوجود می‌آورد، که از جمع آنها یک بخش دیگر ترکیب‌بند به وجود می‌آید.

نمونه:

دوستان شرح پریشانی من گوش کنید
داستان غم پنهانی من گوش کنید
قصه بی سر و سامانی من گوش کنید
گفت و گوی من و حیرانی من گوش کنید
شرح این آتش جانسوز نگفتن تا کی
سوختم سوختم، این سوز نهفتن تا کی
روزگاری من و دل، ساکن کویی بودیم

ساکن کوی بت عریده جویی بودیم

عقل و دین باخته دیوانه رویی بودیم

بسته سلسله سلسله مویی بودیم

کس در آن سلسله غیر از من و دل‌بند نبود

یک گرفتار از این جمله که هستند نبود

تصنیف: در لغت به معنی صنف صنف کردن و دسته دسته کردن است، اما در اصطلاح به شعری اطلاق می‌شود که همراه با موسیقی خوانده می‌شود و گاه وزن

و عروضی دارد و کم و بیش قافیه‌ای نیز در آن به کار رفته است.

نمونه:

به تیغه گر زنی دستت نگیرم ماه من
ای سرو بلند بالا رویت را به ما بنما
و گر تیرم زنی منت پذیرم ماه من
ای سرو بلند بالا رویت را به بنما
بنمازم چشم مستت را
نبینم من شکستت را

ترانه‌های عامیانه: شامل آثار مووزنی است به شکل تصنیف، مثل، افسانه، چیستان، سرودهای مذهبی، لایلی‌ها یا ترانه‌هایی که برای بازی و عروسی و کودکان خوانده می‌شود و در میان مردم معمول و متداول است. زبان این ترانه‌ها زبان محاوره است.

تو که ماه بلند در هوایی
منم ستاره می‌شم، دور تو می‌گیرم
تو که ستاره می‌شی، دور من می‌گیری
منم ابر می‌شم، روتو می‌گیرم
تو که ابر می‌شی، رومو می‌گیری
منم بارون می‌شم، تَن تَن می‌بارم
تو که بارون می‌شی، تَن تَن می‌باری
منم سبزه می‌شم، سر در میارم

ترجیع‌بند: شعری است که از چند بخش متوالی در یک وزن ساخته می‌شود. هر بند با یک مصراع که عیناً در آخر آن تکرار می‌شود، از سایر بندها جدا می‌گردد. در ترجیع‌بند همه بخش‌ها در وزن با هم مشترک‌اند، اما هر بخش قافیه‌ای جداگانه دارد. فاصله بخش‌ها را بیتی واحد یا قافیه‌ای دیگر، مشخص می‌کند. این بیت تکراری یا واسطه را بند ترجیع یا بند گردان می‌نامند. بیت آخر همه بخش‌ها از نظر معنی وابسته به بیت واسطه است.

نمونه:

غریبان را دل از بهر تو خون است
دل خونشان نمی‌دانم که چون است
عنان گریه چون شاید گرفتن
که از دست شکیبایی برون است
مگر شاهنشاه اندر قلب لشکر
نمی‌آید که رایت سرنگون است

دگر سبزی نروید بر لب جوی
که باران بیشتر سیلاب خون است
شکیبائی مجوی از جان مهجور
که بار از طاقت مسکین فزون است
سکون در آتش سوزنده گفتم
نشاید کرد و درمان هم سکون است
که دنیا، صاحبی بد عهد و خونخوار
زمانه مادری بی مهر و دون است
نه اکنون است بر ما جور ایام
که از دوران آدم تاکنون است
نمی‌دانم حدیث نامه چون است
همی دانم که عنوانش به خون است

سعدی

بحر طویل فارسی: شعری است که بیشتر برای مطالب طنزآمیز و هزل و گاه مرثیه، تعزیه‌نامه و مناظره‌های مجالس سخنوری به کار می‌رود. در این نوع شعر قید تساوی مصراع‌ها یعنی تکرار معین افعیل عروضی در هر مصراع وجود ندارد.

بحر طویل از یک یا چند قسمت که اصطلاحاً بند نامیده می‌شود، تشکیل شده و در هر بند یکی از افعیل معین عروضی به تعداد دلخواه گوینده تکرار می‌شود. بندها هم قافیه است. عموماً پایان هر بند را قافیه و ردیفی را که در پایان همه بندها تکرار می‌شود، مشخص می‌کند، اما این قاعده کلی نیست. بحر طویل از دوره صفویه به بعد در دیوان شاعران با مضمون‌های مذهبی یا طنزآمیز سروده شده است.

نمونه:

گرچه عمرم به جهان بیهده گردید،
فرنگیدم و ترکیدم و تاتیدم و گرجیدم و روسیدم و
لرگیدم و بی‌فایده گشتم،

پس از این دست من و دامن آن طایفه،

کز همت ایشان محرومم ز صفاهان و به شیرازم و آن
گاه حجازیده و حجتیده زیارت بکنم مرقدیاک شهدا را
ساقی نامه و معنی نامه: شعرهایی است که در قالب مثنوی که هر بیت آن با خطاب «بیا ساقی»... و «یا مغنی» شروع می‌شود و در آن شاعر ساقی را به دادن شراب و مغنی (آوازه‌خوان و مطرب) را به نواختن رود و سر دادن

تأثرات و خاطرات شاعر هستند. منظومه‌های معاصر مانند افسانه، مرغ آمین و پادشاه فتح نیما، سه تابلو مریم میرزاده عشقی، پادشاه شهر سنگستان اخوان ثالث، صدای پای آب سهراب سپهری و آرش کمانگیر سیاوش کسری از نمونه‌های موفق منظومه‌های معاصر است.

(ادامه دارد) تهیه و تنظیم: داوود



انتقادات و پیشنهادها

● از اینکه هیئت مدیره انجمن، جشن آخر سال را با شب یلدا همراه کردند و زحمات زیادی را برای برگزاری این جشن کشیده‌اند، جای تشکر و قدردانی دارد، اما چه بهتر بود که قبلاً بررسی‌های لازم انجام می‌گرفت و برای پارک اتومبیل‌ها، اعضای محترم این همه وقت تلف نمی‌کردند. خود من درست یک ساعت تمام در اطراف محل جشن دنبال جای پارک بودم و وقتی وارد سالن شدم بعد از یک ساعت متوجه شدم که درست در ۵۰ متری سالن، پارکینگ بسیار ارزانی وجود دارد، در آن شب بارانی و سرما، واقعاً یک ساعت وقت تلف کردن، جبران نشدنی است، امیدوارم که مسئولین جدید و آینده انجمن، قبل از هر موضوع، در هنگام جشن‌ها، اولین مسئله‌ای که مورد نظر قرار می‌دهند پارکینگ باشد.

● من یکی از اعضای انجمن هستم و بسیار علاقه‌مند به انجمن، چند سالی است که مسئولین محترم انجمن در آخر سال، جشنی تدارک می‌پینند که مخصوص اعضاء و خانواده‌های آنها هست. امسال به علت کسالت در ماه دسامبر، متأسفانه نتوانستم که در جلسه انجمن شرکت کنم و در نتیجه موفق به ثبت نام برای جشن آخر سال نشدم (با اینکه وکالت داده بودم برای انتخابات) و چند روز بعد از جلسه ماه دسامبر متوجه شدم که دیگر ثبت نام تمام شده و به هیچ عنوان جایی برای شرکت در جشن آخر سال نیست. بسیار غمگین و افسرده نمی‌دانستم چگونه جواب فرزندانم را بدهم و این مسئله بسیار مرا ناراحت کرد. از مسئولین امسال انجمن تقاضا می‌کنم که در آینده به فکر همگی اعضاء باشند

[illegible]

سرودی دعوت می‌کند و در بیت بعد، نتیجه‌ای را که از این دعوت در نظر داشته باز می‌گوید.

اولین ساقی‌نامه و معنی‌نامه مستقل را حافظ سروده اما پیش از او نظامی در منظومه اقبالنامه و شرفنامه بیت‌هایی خطاب به ساقی و مغنی دارد. ساقی‌نامه از قرن نهم به بعد بین شاعران متداول شد. موضوع و مضمون اغلب ساقی‌نامه‌ها و مغنی‌نامه‌ها، ذکر ناپایداری دنیا و بیان درد و رنج انسان در دنیای فانی و روآوردن ناگزیر او به می و میخانه است که بسیاری از آنها جنبه تمثیلی و رنگ عرفانی دارد.

نموده:

بیاسا قی آن می که حال آورد
 کرامت فزاید کمال آورد
 به من ده که بس بیدل افتاده ام
 وزین هر دو بی حاصل افتاده ام
 بیاسا قی آن می که عکسش ز جام
 بی کیخسرو و جم فرستادم پیام
 بده تا بگویم به آواز نی
 که جمشید کی بود و کاووس کی
 بیاسا قی آن کیمیای فتوح
 که با گنج قارون دهد عمر نوح
 بده تا به رویت گشایند باز
 در کامرانی و عمر دراز
 بده سا قی آن می کزو جام جم
 زند لاف بیتائی اندر عدم
 به من ده که گردم به تأئید جام
 چو جم اگه از سر عالم تمام

منظومه: شعری است روایی که معمولاً شاعر در آن به شرح ماجرا یا بازگویی داستان‌های حکمی و عرفانی، حماسی، تاریخی، عاشقانه و طنزآمیز می‌پردازد. منظومه‌سرایی در ادبیات دوران ساسانی و قبل از آن سابقه داشته است. سندهاد نامه رودکی و آفرین‌نامه ابوشکور بلخی نمونه‌هایی از منظومه در قرن چهارم است. تقریباً کلیه منظومه‌های سروده شده تا اواخر قرن سیزدهم در قالب مثنوی است، که برحسب مضمون

عقیده‌ای بی‌شک، از سوزان بهرمان، در دهان من ظاهر شده است. این کتاب را می‌توان به عنوان یک کتاب فلسفی و سیاسی خواند. سوزان بهرمان در این کتاب به بررسی مفهوم عدالت و آزادی می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که عدالت و آزادی دو مفهوم جدایی‌ناپذیر هستند. او همچنین به بررسی مفهوم حقوق بشر می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که حقوق بشر یک مفهوم جهانی است که برای همه انسان‌ها معتبر است. این کتاب به دلیل سادگی و روانی بیان، برای همه علاقه‌مندان به فلسفه و سیاست مناسب است.

اطلاعیه

خبر یافتیم که همکار سابق و دوست عزیزمان آقای بیژن برهمندی، به علت کسالت تحت عمل جراحی قرار گرفته‌اند. آرزوی بهبودی هرچه سریع‌تر برایشان داریم. انجمن تاکسیران

XXXXXXXXXX

هیئت مدیره انجمن تاکسیران و هیئت تحریریه انجمن تاکسیران

فرا رسیدن سال نو میلادی را به کلیه اعضای انجمن و همکاران عزیز تبریک گفته و سلامتی و موفقیت در تمام شئون زندگی را برای ایشان و خانواده‌های گرامی‌شان آرزومندیم.

XXXXXXXXXX

اطلاعیه

جلسه عمومی انجمن تاکسیران، اولین دوشنبه هر ماه ساعت ۱۹:۰۰ در رستوران الهام برگزار می‌گردد.

Chez - Elham, 11, Rue de la REYNIE

75004 Paris - Métro : Chatelet-Les-Halles

حضور در جلسه عمومی انجمن تاکسیران، برای کلیه همکاران (عضو و غیر عضو) آزاد می‌باشد.

مدیره را قبول می‌کند باید به فکر تمامی اعضای انجمن باشد و سالتی انتخاب بکند که جوابگوی همگی باشد.

● امسال با توجه به شرایط بحرانی اقتصاد و خبرهای ناگواری در گوشه و کنار دنیا، برگزاری جشن یلدا فکر خوب و مبارکی بود که دور هم جمع شده و اندکی روحیه‌مان را تقویت کنیم. در این رابطه به نوبه خود از هیئت مدیره که زحمت تدارک این جشن را به عهده گرفته بودند تشکر می‌کنم، بخصوص از نقش فعال و پذیرائی گرم مینا خانم که تا لحظه آخر ما را همراهی کردند.

در کل فضای رستوران خوب و دلپذیر بود و از لحاظ پذیرائی چندان کم و کسری نداشت بجز کیفیت پیتزا که چندان در شأن یک رستوران حرفه‌ای نبود! ضمناً به مناسبت فرارسیدن سال جدید میلادی سلامتی و موفقیت همگی را آرزومندم.

XXXXXXXXXX

آگهی تسلیت

همکاران گرامی، آقایان مسعود چیدری، مجید کوچک و محمد مایل
غم از دست دادن عزیزتان را به شما تسلیت عرض نموده و آرزوی سلامتی و صبر و شکیبائی برایتان داریم.
انجمن تاکسیران

دعوت به جلسه عمومی انجمن تاکسیران

از کلیه اعضاء انجمن و همکاران گرامی تقاضا می‌کنیم که در اولین جلسه عمومی انجمن در سال جدید ۲۰۱۲ شرکت کنند.

دستور جلسه:

- ۱- گزارش و بیلان مالی سال ۲۰۱۱
- ۲- معرفی هیئت مدیره سال ۲۰۱۲
- ۳- ارائه برنامه‌های سال جدید
- ۴- تبادل نظر پیرامون مراسم نوروزی
- ۵- بحث آزاد

زمان: دوشنبه دوم ژانویه سال ۲۰۱۲

مکان: رستوران الهام

ساعت شروع جلسه: ۱۹:۳۰

موفق و پیروز باشید

هیئت مدیره انجمن تاکسیران